

## اهمیت فرهنگی و اجتماعی تاریخ عبدالقادر سروری

دکتر محمد الطاف بت

تاریخ گواه است که منطقه کشمیر از حیثیت علم و ادب فارسی مثالی ندارد. این وادی گلپوش را فردوس بر روی زمین می‌گویند. به علت داشتن اراضی سرسبز و مناظر طبیعی دلکش و چشمه‌ها و آبشارها و کوه‌های فلک‌بوس شاعر معروف عرفی شیرازی می‌گوید:

هر سوخته جانی که به کشمیر درآید      گر مرغ کباب است با بال و پر آید<sup>۱</sup>  
مردمان کشمیر بسیار زیبا و سیه‌چشم هستند. شاعر بزرگ ایران، لسان‌الغیب حافظ شیرازی این طور توصیف می‌کند:

به شعر حافظ شیرازی می‌رقصند و می‌نازند      سیه‌چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی<sup>۲</sup>  
شاعران، عالمان، محققان و تاریخ‌نویسان این وادی نیز معروف‌اند. روایت تاریخ‌نویسی ادبیات فارسی هم در کشمیر از زمان شهمیری تا دور حکومت دوگرا عهد به عهد ترقی نمود هرچند که تاریخ عبدالقادر سرور<sup>۳</sup> (تاریخ ادبیات فارسی در کشمیر) به زبان اردو است، اما مشتمل بر تاریخ ادبیات فارسی کشمیر است و ارزش و اهمیت علمی و ادبی و فرهنگی و اجتماعی بسیار دارد.

قبل از این که موضوع مطلوبه را شرح بدهم اجمالاً مؤلف کتاب را معرفی می‌کنم. عبدالقادر سروری در ماه اگست سال ۱۹۰۶ م پا به عرصه حیات گذاشت. پدرش

۱. گلشن ابراهیمی موسوم به تاریخ فرشته، (اردو) جلد دوم، ص ۵۳۶؛ تاریخ حسن، جلد اول، ص ۶۱.  
۲. دیوان حافظ، همراه با فال، ص ۴۵۷.

حاجی محمد سروری نام دارد.<sup>۱</sup> چون عبدالقادر سروری به سن شعور رسید، به مدرسه دینی رفت. بعداً راه‌سپار دانشگاه عثمانیه حیدرآباد شد. خوش‌بختانه در سال ۱۹۶۲ م در دانشگاه عثمانیه حیدرآباد به حیثیت استاد در بخش زبان اردو و فارسی قرار گرفت. بعداً به عنوان رئیس بخش اردو، عربی و فارسی در دانشگاه میسور خدمت کرد. در سال ۱۹۴۷ میلادی به دانشگاه عثمانیه حیدرآباد برگشت و سپس در سال ۱۹۶۳ میلادی در وادی رئیس بخش فارسی و اردو دانشگاه کشمیر حضرت‌بل شد.

در این مقاله کوشش بر این است که سیری در تاریخ عبدالقادر سروری انجام شود و ارزش و اهمیت فرهنگی و اجتماعی آن بررسی می‌شود. «کشمیر میں فارسی کی تاریخ» یکی از تواریخ عمومی کشمیر به شمار می‌آید. پروفیسور عبدالقادر سروری این تاریخ مهم را در سال ۱۹۶۸ میلادی به رشته تحریر درآورد.<sup>۲</sup> در این کتاب مؤلف دربارهٔ ابتدای زبان فارسی و حلقه‌های مبلغان و پیروکار آنها، ترتیب‌وار ذکر کرده است. بالخصوص از آغاز شاهان شهمیری تا عهد دوگرا و قرن بیستم میلادی و حکومت راجگان و مردمان کشمیر را رقم ساخته است که ارزش و اهمیت علمی، ادبی، ثقافتی و اجتماعی بسیار دارد. اطلاعاتی که مؤلف در این کتاب بیان نمود نه فقط برای کشمیر بلکه برای هند و ایران هم اهمیت دارد، زیرا کشمیر از قدیم با هند و ایران روابط ثقافتی، علمی، ادبی و فرهنگی داشته است. چون اهل دانش این خطه را «ایران صغیر»<sup>۳</sup> هم می‌گویند.

این کتاب مشتمل بر دوازده مقالات است. نخستین مقاله تاریخی پس منظر، دوم آغاز سخن، سوم عهد شهمیری، چهارم عهد سلطان زین‌العابدین تا حبیب شاه، پنجم عهد سلاطین چک، ششم عهد مغل، هفتم عهد شاهجهان، هشتم عهد اورنگ‌زیب و بعد از او،

۱. پروفیسور عبدالقادر سروری کشمیری نژاد هست. اجدادش سال‌ها سال قبل از کشمیر هجرت نمودند و در حیدرآباد دکن اقامت داشتند. به حواله «کشمیر میں اردو» جلد اول، ترتیب محمد یوسف تینگ، ناشر جمون ایند کشمیر اکیدمی آف آرت، کلچر ایند لینگویجیز، سرینگر، ۱۹۸۱، ص ۵.  
 ۲. کشمیر میں فارسی کی تاریخ، ص ۸.  
 ۳. رساله دانش شماره ۱۱-۱۲ سال ۱۹۹۴ میلادی، مقاله از پروفیسور مشیرالحق، ص ۱۵۷-۱۵۸، و دانش سال ۲۰۰۱-۰۲، ص ۱۲.

نهم عهد افغان، دهم عهد سکهان، یازدهم حکومت دوگران و دوازدهم قرن بیستم میلادی. پروفیسور عبدالقادر سروری در مقاله نخستین به عنوان تاریخی پس منظر درباره تسمیه کشمیر می‌نویسد که نام قدیمی‌ترین کشمیر «ستی سر» بوده است و همه وادی یک پهناور جیل بود و ساکنان قدیم کشمیری در آن زمان بر کوهستان زندگی می‌کردند. روزی شخصی به نام کشپ رشی به مدد دیوتا آن آب را خارج کرد و وادی کشمیر چون خشک می‌گردد مردمان آنجا آغاز زندگی کردند و این سرزمین را نام قدیمی «کشپ میرا» بر نام کشپ رشی نهاده. بعدها به صورت «کشمیر» درآمده<sup>۱</sup>.

سروری در این باب به ادبیات فارسی کشمیر به اختصار پرداخته است و سلاطین کشمیر را از لحاظ تاریخی از عهد شاهمیریان تا به عهد دوگران و هم در نیم قرن بیستم میلادی مورد بحث قرار داده است. وی اطلاع می‌دهد که قدیمی‌ترین تاریخ کشمیر «تاریخ کلپتوب» است و در عهد دامودر حضرت سلیمان به روایت مورخین فارسی به کشمیر وارد شد و در وادی سیر و تفریح کرد و بعداً بر بکوه بیلدرک قیام کرد، اما امروز بنام «کوه شنکراچاریه» معروف است. سپس می‌نویسد در خبر است چون سلیمان از کشمیر رفت، وی حکومت به دست شهزادگان ترک، هشک، کنشک و زشک سپرد. این سه راجگان ترک بر وادی کشمیر چهل چهل سال حکومت نمودند. در سال ۱۳۸۰ میلادی ذوالقدر خان، معروف به «زوالچو» حمله‌آور به کشمیر شد و مظالم بسیار برپا کرد بعد از غارت‌گری و ظلم و جبر در موسم سرما به سوی هند رهسپار شد و در دوران سفر سربازان متعدد جان دادند. در همان زمان رینچن و شاه میرزا به حکمت عملی این فتنه و فساد را تمام کردند و خود رینچن شاه حکومت را به دست گرفت و شاه میرزا را وزیر خود مقرر ساخت<sup>۲</sup>.

مؤلف درباره زبان و ادبیات فارسی در این باب می‌نویسد با ورود سید شرف‌الدین همراه با سادات در کشمیر انقلاب ثقافتی، علمی، فرهنگی و اجتماعی روی داد و آن قدر ترقی یافت که کشمیریان را در کل جهان مشهور کرد.

کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۹ تا ۱۰.

۲. همان، ص ۱۳ تا ۱۶.

**مقاله دوم: آغاز سخن**

در این باب سروری روابط فارسی با کشمیر و حمله محمود غزنوی و مختصراً رواج زبان فارسی را شرح داده است. با مطالعه این کتاب معلوم می‌شود که زبان و ادبیات فارسی در کشمیر اصلاً در عهد رینچن شاه ترقی یافت و طبقات مختلف در ترویج این زبان نقش دارند. مثلاً روابط دردستان با کشمیر و شاه میرزا، ورود کشمیر لنگر چک و رینچن شاه و غیره.

علما و ادبا همراه در رواج فارسی نقش مهمی دارند. راجا رینچن شاه به دست نامور عالم، حق پرست سید شرف‌الدین بلبل شاه مشرف به اسلام شد و به نام صدرالدین مشهور گشت. حتی سروری نشان می‌دهد که علمای غیر مسلم هم در آن زمان از کتب مذهبی، منقبت، مناجات، نعت و دعا به زبان فارسی استفاده می‌کردند. چندین شعر مهادیو شیو جی در تضمین طوطی هند امیر خسرو سروده شده است ملاحظه بفرمایید:

اما از سوی چپ بنگر چو صد خورشید تابان‌تر

هلالش تاج بر سر بود شب شاهی که من دیدم...

سه چشمش بر جبین از مهر و ماه ناز و شنتتر

سگان دست بسته بود شب شاهی که من دیدم<sup>۱</sup>

مختصراً در این باب مؤلف اشاره می‌کند که سید شرف‌الدین که در کشمیر ملقب به بلبل شاه است، از سادات موسوی ترکستان بود. بلبل شاه خیلی متقی و عرفانی هست. گرچه مسلمانان در کشمیر از زمانه محمد قاسم آمده بودند ولی نخستین حکمران مسلمان رینچن شاه که قبل از قبول اسلام، پیرو بُد مت بود تحت تأثیر سید شرف‌الدین شد و دین اسلام قبول کرد. در حکومت رینچن شاه نظم و نثر فارسی شکل گرفت.

**مقاله سوم: سلاطین شهمیری (۱۳۳۹ تا ۱۴۲۰ م)**

نخستین کسانی که زبان فارسی را در کشمیر فضای سازگار بخشیدند سلاطین شهمیریان هستند. این خانواده در کشمیر از سال ۱۳۳۹ م تا ۱۴۲۰ م فرمان روایی کرد.

کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ ص ۴۱.

اولین پادشاه شهمیری خاندان شاه میرزا بوده است که چهار سال حکومت کرد. در زمان وی فارسی زبان علمی و ادبی بود و به حیثیت زبان دفتری نیز ترقی یافت. سروری می‌نویسد از خانواده شهمیری بیست و دو حکمران یکی بعد دیگر حکومت کردند. فهرست آنها مندرجه ذیل هستند:

۱. سلطان شمس‌الدین (۱۳۳۹ تا ۱۳۴۳ م) ۲. جمشید (تا ۱۳۴۳ م) ۳. علاء‌الدین (تا ۱۳۵۴ م) ۴. شهاب‌الدین (تا ۱۳۷۳ م) ۵. قطب‌الدین (تا ۱۳۸۹ م) ۶. سکندر (تا ۱۴۱۳ م) ۷. علی شاه (تا ۱۴۲۰ م) ۸. زین‌العابدین یه (تا ۱۴۷۰ م) ۹. حیدر شاه (تا ۱۴۷۲ م) ۱۰. حسن شاه (تا ۱۴۸۴ م) ۱۱. محمد شاه بار اول (تا ۱۴۸۶ م) ۱۲. فتح شاه بار اول (تا ۱۴۹۳ م) ۱۳. محمد شاه بار دوم (تا ۱۵۰۵ م) ۱۴. فتح شاه بار دوم (تا ۱۵۱۴ م) ۱۵. محمد شاه بار سوم (تا ۱۵۰۵ م) ۱۶. فتح شاه بار سوم (تا ۱۵۱۷ م) ۱۷. محمد شاه بار چهارم (تا ۱۵۲۸ م) ۱۸. ابراهیم (تا ۱۵۰۳ م) ۱۹. محمد شاه مرتبه پنجم (تا ۱۵۳۸ م) ۲۰. شمس‌الدین ثانی (تا ۱۵۳۹ م) ۲۱. اسماعیل شاه (تا ۱۵۴۰ م) ۲۲. ابراهیم شاه (تا ۱۵۴۰ م) ۲۳. نازک شاه (تا ۱۵۵۱ م) ۲۴. اسماعیل ثانی (تا ۱۵۵۴ م) ۲۵. سلطان حبیب شاه (تا ۱۵۶۵۴)'.<sup>۱</sup>

در عهد سلطان شهاب‌الدین امیر کبیر سید علی همدانی به وادی کشمیر تشریف آورد و اسلام و عقاید اسلامی را گسترش داد. حضرت امیر کبیر بار دوم در عهد سلطان قطب‌الدین به کشمیر تشریف آورد و همراه ایشان هفتصد نفر از سادات بودند، همه سادات دین اسلام را گسترش دادند و زبان آنها فارسی بود بدین علت زبان فارسی شایان شان ترقی یافت.

در عهد سلطان قطب‌الدین زبان و ادبیات فارسی رشد بیشتری یافت. سلطان بر نام خود یک شهر آباد کرده بود، موسوم به قطب‌الدین پوره و بعداً این شهر گهواره علم و ادب و شاعری گشت. سلطان به شعر و ادب دل‌بستگی فراوان داشت و خود شعر می‌سرود، نمونه‌ای از شعر سلطان قطب‌الدین را ملاحظه نمایید:

ای به گرد شمع رویت عالمی پروانه‌ای      وز لب شیرین تو شوری‌ست در هر خانه‌ای

۱. کشمیر میں فارسی ادب، کی آرٹیکل، ص ۱۶-۱۷.

من به چندین آشنایی می‌خورم خون جگر آشنا را حال این‌ست وای بر بیگانه‌ای<sup>۱</sup>  
 سلطان یک دارالعلوم قایم کرده بود که بعداً مرکز علم و ادب فارسی شد. در همین  
 مدرسه بود که شعرای نامور ملا محسن فانی، استاد غنی کشمیری، شیخ احمد تاره بلی  
 و نافع تربیت یافتند و دامن زبان و ادبیات فارسی را وسعت بخشیدند.

حضرت امیر نه فقط مرد روحانی بود بلکه عالم بزرگ هم بود. رساله‌ها تصنیف  
 کرده بود، بعضی رساله‌های فارسی ایشان موجود است. در عربی و فارسی هر دو زبان  
 تألیفاتی دارد. او در زبان فارسی کتاب‌های ذیل را نوشته است:

رساله منهاج‌العارفین، رساله مکتوبات، رساله حل مشکلات، رساله ذکریه، رساله  
 فقریه، رساله اخلاقیه، رساله کشف‌الحقایق، رساله اصطلاحات نورالدین جعفر، رساله  
 مرات‌الطالبین، رساله مثنی دیگر، رساله فتوتیه، رساله نفسیه، رساله مناجات و غیره.  
 سروری اطلاع می‌دهد که همه متذکره رساله‌ها در کتبخانه تحقیقی دانشگاه کشمیر  
 موجود است.<sup>۲</sup>

علمایی که با امیر کبیر به کشمیر آمده بودند، به جاهای مختلف تشریف بردند و  
 سبب گسترش اسلام و زبان و ادبیات فارسی شدند. نویسنده بعد از پیش‌گفتار درباره  
 سلطان سکندر سخنی می‌گوید. این از خانواده شاهی بوده و قوی‌ترین حاکم  
 به شمار می‌رفت. چنانچه مؤلف کتاب درباره این عالی همت سلطان، عبارت پیر غلام  
 حسن این طور نقل کرده است:

”او از جمیع سلاطین کشمیر در شوکت و عظمت و کثرت لشکر ممتاز بود و  
 مهارت بسیار داشت“<sup>۳</sup>.

**مقاله چهارم:** سلطان زین‌العابدین تا عهد حبیب شاه ۱۴۲۰ م تا ۱۵۵۴ م  
 در این باب سروری اطلاع می‌دهد که این پادشاه شاهی رغبته خاصی به ادبیات  
 فارسی داشت. در این عهد زبان و ادبیات فارسی در کشمیر توسعه و ترویج خصوصی

کشمیر، میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۴۷.

۳. تاریخ حسن، جلد دوم، ص ۱۷۷؛ سروری، ص ۵۱.

یافت و کشمیر به گهواره علم و ادب تبدیل شد. نیز در این دوره متعدد علما و فضلا، شعرا و ادبا، فقها و صوفیا از ایران به سوی کشمیر راه نمودند و به دربار سلطان زین العابدین منسلک شدند. فهرست ایشان سروری مندرجه ذیل نوشته است:

ملا احمد کشمیری، مولوی کبیر، ملا پارسا، مولانا قادری، ملا ضیائی، ملا ندیمی، ملا فصیحی، ملا جمیل، ملا حمد رومی، ملا نورالدین، ملا علی شیرازی، مولانا حسین غزنوی، مولانا سید محمد منطقی، ملا حافظ بغدادی، مولانا جمال الدین، قاضی میر علی و سید ناصرالدین بهیقی.

علاوه از این سلطان زین العابدین دارالترجمه تاسیس کرد. مشهور مورخ ملا احمد کشمیری به این دارالترجمه منسلک بوده است. زبان درباری سلطان فارسی بود و ذریعه تعلیم دارالعلوم هم فارسی بود. در همین عهد «راج ترنگی» به قلم ملا احمد کشمیری از سانسکریت به زبان فارسی ترجمه شد. «کتا سرت ساگر» مشهور به مجمع الحکایات ملا احمد را هم به نام «بحرالاسما» ترجمه به زبان فارسی نمود.

ملا احمد کشمیری ملک الشعراء، پادشاه بود و سلطان پادشاه هم شعر گفته است. خواجه محمد اعظم در ذکر تاریخ سید علی که از مورخان آن زمان بود، می گفت که: در عهد سلطان زین العابدین فضلا و شعرا بسیار در کشمیر بودند، چه از مولد ولایت و چه از متولدان این شهر، چون کسی درباره آنها چیزی نوشت لذا حالات شان پوشیده ماند.

در عهد سلطان زین العابدین زبان فارسی آنقدر گسترش یافت که بسیاری از دانشجویان غیر مسلم به دربار آمدند و سلطان به آنها شهریه می داد و بعد از فارغ التحصیلی آنها را به مناصب بزرگ مقرر ساختند. ذخیره بسیار پر ارزش نظم و نثر به زبان فارسی به وجود آمد و این زبان در وادی روز به روز ترقی یافت. بعد از دوره سلطان زین العابدین حکومت کشمیر به دست سلطان حسن شاه افتاد. این سلطان نیز از خانواده شهمیر است. حسن شاه هم مثل زین العابدین زبان و ادبیات فارسی را پرورش داد. در عهد وی هم از ایران و ترکستان علما به کشمیر آمدند. سلطان حسن شاه میراث ادب پروری از سلطان زین العابدین گرفت و در حکومت وی متعدد کتاب های سانسکریت به فارسی و فارسی به سانسکریت ترجمه گردید. نیز به علوم فلسفی رغبت خاصی داشت و به علم موسیقی هم پرداخته. پروفیسور عبدالقادر سروری نوشته که در عهد

حسن شاه میر شمس‌الدین عراقی به کشمیر تشریف آورده‌اند. سروری درباره این شخصیت این طور نوشته است:

”در سنه ۸۹۶ هـ میر شمس عراقی از جانب سلطان حسین میرزا والی خراسان به طور سفارت به کشمیر آمده، مراسله شاهی معه یک پوستین کیشی از پوشش خاص سلطان به حسن شاه ارمغان آورده پیغام فرستادن بعضی تحایف و نفایس کشمیر که خواهش خاطر سلطان خراسان بود ظاهر ساخت“<sup>۱</sup>.

مولانا میر شمس‌الدین عراقی در کشمیر هشت سال اقامت داشت. در حکومت فتح شاه باز با مریدان خود به کشمیر تشریف آورده و مذهب اهل تشیع را گسترش داد. این پیر بزرگ کتابی نوشت بر عقاید مذهب شیعه نام کتاب «احوط»<sup>۲</sup> داشته.

در این عهد تا به عهد میرزا حیدر چند کتاب تاریخی تألیف شد. «تاریخ قلمرو کشمیر» از قاضی ابراهیم (۴۱۵۱ م) و «تاریخ کشمیر» از سید علی محمد شهرت خاصی گرفته‌اند. میرزا حیدر هم از اهل قلم بود و کارنامه وی «تاریخ رشیدی» است. میرزا حیدر شعر هم سروده است. نمونه شعر وی:

در گلشن کشمیر بسی جوش گل است      آن گل که ازو بوی وفا آید نیست<sup>۳</sup>

به آخر در این باب مصنف می‌نویسد که در همین دوره کتاب تاریخی به نام «تاریخ کشمیر» توسط ملا حسین قاری نوشته شده. می‌توانیم بگویم این عهد نظم و نثر فارسی و تاریخ‌نویسی را جلا بخشید.

#### مقاله پنجم: عهد سلاطین چک (۱۵۵۶ م تا ۱۵۸۳ م)

بعد از دوره سلطان زین‌العابدین زمام حکومت به دست سلاطین چک افتاد. در این عهد از ایران متعدد علما به کشمیر آمدند. بعضی از حاکمان چک خود علم و

<sup>۱</sup> کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۸۹-۷۰.

<sup>۲</sup> بقول دکتر اکبر حیدری کتاب «احوط» تألیف میر شمس‌الدین عراقی نیست. اصلاً این کتاب تألیف سید محمد نور بخش است و این کتاب مشتمل بر عقاید فرقه نور بخشیه است. ولی بعض مورخین این کتاب را به میر شمس‌الدین عراقی منسوب کردند. (بهارستان شاهی، ترتیب و مقدمات دکتر اکبر حیدری کشمیری، سال اشاعت ۱۹۸۲ میلادی، ناشر انجمن شرعی شیعیان جمون و کشمیر، سرینگر، ص ۸۲ تا ۸۵).

<sup>۳</sup> کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۷۳.



ادب‌پرست و قدردان بودند و بعضی خود شاعر بودند. آنها به زبان و ادب فارسی نیز علاقه و ذوق و شوق خاصی داشتند. حتی زبان رسمی آنها فارسی بود. در عهد حسن شاه بعضی شعرا ظهور کردند. حسن شاه خود طبع عالی داشت. او شعرا، ادبا و سخنوران حمایت می‌کرد. ملا نامی و ثانی شاعر درباری وی بود. علم‌پروری حسن شاه در این منطقه کشمیر فراوان است. شعرا و علمای بیرون از خطه کشمیر مانند ایران و شهرهای دیگر با شنیدن شهرت وی به سوی کشمیر آمدند. بعضی از آنها ملا نامی اول و ثانی، بابا طالب اصفهانی میرعلی و مولانا مهدی و غیره‌اند. در عهد حکمرانان چک شاعران، سخنوران و علمای متعددی ظاهر شدند که بعضی از آنها به این قرارند:

سلطان یوسف شاه چک، مولانا احمد، محمد امین مستغنی، شیخ یعقوب صرفی، قاضی موسی، بابا علی رینا، بابا داوود خاکی و جز آن.

سروری می‌نویسد که ملا مهدی با علی شاه تقرب خاصی دارد، او در منقبت حضرت علی<sup>ع</sup> نظم سروده است و یک شعر وی چنین است:

مرتضی<sup>۱</sup> پادشاه کشور عالی نسبتی است

آفتابی است که برج شرفش دوش نبی<sup>ص</sup> است<sup>۱</sup>

یوسف شاه چک نیز به ادبیات فارسی رغبت داشت و شعر هم می‌گفت. پیر غلام حسن می‌نویسد: "طبعی موزون داشت، اشعار فارسی و هندی و کشمیری بدیهه می‌گفت"<sup>۲</sup>. مؤلف در این کتاب می‌نویسد که در عهد چک شیخ یعقوب صرفی شاعر روحانی درگذشت. شهرت وی خارج از کشمیر در زندگانی وی می‌بود. این شاعر نامدار دیوان ضخیم مشتمل به غزل، قصیده، نعت، منقبت و رباعی داشت. خمسه وی به این قرار است:

۱. مسلک‌الاخیار؛ ۲. وامق و عذرا؛ ۳. مغازالنبی؛ ۴. لیلی<sup>۱</sup> مجنون؛ ۵. مقامات مرشد.

گرچه صرفی در نظم و نثر آثاری از خود گذاشته ولی شهرت وی در خمسه پنهان است و به علت خمسه صرفی «جامی ثانی» لقب یافته. کتب تاریخی در این عهد نوشته شده است بعضی از آنها «مختصر تاریخ کشمیر» از سید علی ماگری و «بهارستان

کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۷۷.

۲. تاریخ حسن، جلد دوم، ص ۲۹۶.

شاهی» از سید محمد مهدی (می‌گویند مشتبه است) است.

مقاله ششم: عهد مغل (۱۵۸۵ تا ۱۶۲۸ م)

در زمان حکمرانی پادشاهان مغل در کشمیر زبان و ادبیات فارسی چنان ترقی و پیشرفتی کرد که برای تفصیل این موضوع کتاب جامع باید نوشت ولی اینجا مورد بحث تاریخ سروری است. پیر غلام حسن مورخ کشمیر درباره این خانواده می‌نویسد:

«در حکومت شاهان مغل بازار شعر و سخن بسیار گرم بود»<sup>۱</sup>.

گرچه اکبر خود تحصیل کرده نبود اما بسیار علم‌دوست و دانش‌پرور بود. سلطان اکبر خود در منطقه کشمیر در سال ۱۵۸۹ م آمده بود و به باغ حسن شاه قرار گرفت. شعرا قصاید و مثنوی‌ها گزرانیدند و زبان و ادبیات فارسی در کشمیر صورت خاصی گرفت. در عهد اکبر در کشمیر فن معماری، نقاشی و نظم و نثر ترقی یافت. عبدالقادر سروری اطلاع می‌دهد که فرودست اکبر میر محمد حسین کابلی قلعه بنا نموده بود. به نزد صفا کدل گلستان به نام «باغ حسینی» ساخته بود. نیز مسجد خانقاه ساختند. (امروز این مسجد تاریخی مسجد در کشمیر است)

با مطاکرهٔ فارسی ادب کی، یی ارتج معلوم می‌شود که اغلب سلاطین خانواده مغل مریان و سرپرستان زبان و ادبیات فارسی هستند و در دوره سلطان جلال‌الدین اکبر در کشمیر بسیار شعرا و ادبا با دربارش منسلک بودند بعضی از آنها به این قراراند:

ملا مرهمی، میر ابوالفتح مظهری، ملا میر حسن (خوش‌نویس)، محمد حسین (که به خطاب «زرین قلم» معروف‌اند)، ملا فطرتی، و غیره. درباره ملا فطرتی سروری می‌گوید که روزی یک قطعه گفت و اکبر او را به دوازده هزار پول انعام بخشش عطا کرد و آن قطعه این است:

قسمت نگر که در خود هر جوهری عطاست      آینه با سکندر و با اکبر آفتاب  
او کرد گر معاینه خود ز آینه      این می‌کند مشاهده حق در آفتاب<sup>۲</sup>

کشمیر میں فارسی ادب کی، یی ارتج، ص ۹۴.  
۲. همان، ص ۱۰۱.

بعد از اکبر فرزند وی جهانگیر حامی زبان و ادبیات فارسی به شمار می‌آید. در عهد وی علم و فن و شعر و سخن بسیار ترقی یافت. جهانگیر خود هم شعر می‌گفت ذوق سلیم ادبی داشت. او حالات زندگی خود را به قلم خویش قلمبند می‌کرد که به نام «تزک جهانگیری» معروف است. این پادشاه به کشمیر خیلی عشق می‌ورزید و شهره آفاق مغل باغات بنا نهاد. تاریخ گواه است که جهانگیر می‌خواست بعد از مرگ جسد خاکی او در کشمیر دفن شود. چنانچه این واقعه را شاعر این طور بیان نمود:

از شاه جهانگیر دم نزع چو جستند با خواهش دل گفت که کشمیر دگر هیچ<sup>۱</sup>  
شعرای نامور خارج از کشمیر که منسلک با دربار جهانگیر هستند بعضی از آنها این طوراند:

فیضی، طالب آملی و عرفی و غیره. چون وارد کشمیر این شعرا درآمدند، شعر و ادب فارسی را از زمین به فلک رساندند. طالب آملی در توصیف کشمیر می‌گویند:

هر کس پی تماشا کردند خوش فضای رضوان فضای جنت، طالب فضای کشمیر<sup>۲</sup>  
شعرا، ادبا و مورخان مشهور که در عهد جهانگیر در کشمیر ظاهر شدند به قرار ذیل اند:

ملا جوهرنات، خواجه حبیب الله نوشهری، حیدر ملک چادوره، بابا نصیب‌الدین غازی، مولف «نورنامه»، اوجی کشمیری و غیره و غیره. تاریخ کشمیر از حیدر ملک چادوره در این عهد خیلی مشهوراند.

#### مقاله هفتم: عهد شاهجهان ۱۶۳۸ م تا ۱۶۵۸ م

عهد شاهجهان در خطه کشمیر خیلی خوشگوار و درخشان گذشت. متعدد علما، فضلا، ادبا و شعرا که از ایران به سوی هند می‌آمدند بعضی از آنها به سوی وادی کشمیر هجرت نمودند و هوای جنت کشمیر ایشان را اجازت نمی‌داد که باز گردند و همین جا سکونت اختیار کردند. در عهد شاهجهان ناظم کشمیر ظفر خان احسن خیلی معروف بود. وی نخستین مرتبه در سال ۱۶۳۴ م ناظم کشمیر شد و هفت سال ناظم بود. بار

کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۱۰۱.

۲. همان، ص ۱۰۲.

دوم سال ۱۶۳۴ م تا ۱۶۴۷ م. ناظم کشمیر شد. احسن را با کشمیر عشق فراوان بود. بدین علت وی اکثر به معماری مشغول بود. در اشعار زیر عشق وی به کشمیریان بیان شده است:

اگر فرصتم بخشد روزگار      کنم رشک فردوس کشمیر را  
بهشت برین از شما زاهدان      به احسن گزارید کشمیر را<sup>۱</sup>

احسن استاد سخن به شمار می‌رفت، چنانچه به توصیف استادی وی شاعر معروف صایب تبریزی این طور می‌گوید:

هرکه چون من از ظفر خان یافت فیض تربیت      می‌رسد گر در سخن دعوی خاقانی کند<sup>۲</sup>  
نیز می‌گفت:

یک دسته گل ست نگارم ز باغ حسن

حسن آفرین به دست خود این دسته بسته است<sup>۳</sup>

سروری می‌نویسد شعرا و علما که با احسن وارد کشمیر شدند تفصیل ایشان در دیباچه دیوان احسن نوشته شده است. بعضی از آنها صایب، میر الهی، مولانا حیدر و خصالی، قاضی ابوالقاسم المعروف به قاضی زاده، محمد مقیم جوهری، میر معصوم کاشانی، ابوطالب کلیم، میرزا جلاله طباطبایی، مولانا رونقی همدانی، مولانا رونقی احمد و حاجی محمد جان قدسی که روح روان محفل بود، هستند. نیز میرزا حسین، ملا منعمی، وحشی، انسی، میرزا محمد قزوینی، سید صوفی و میر محمد باقر علوی و غیره نیز هستند. مختصراً فیاضی شاهجهان به ادبیات فارسی به نسبت اکبر بادشاه و شاه جهانگیر بیشتر بود. شعرای بلند مرتبه چون حاجی جان محمد قدسی، ابوطالب کلیم به دربارش وابسته بودند.

شاعر معروف ملا محسن فانی از علما و استادان فارسی کشمیر شهرت خاصی داشت و شهزاده مراد و داراشکوه با محسن فانی خیلی ارتباط داشتند. این قابل ذکر

کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ ص ۱۱۰.

۲. همان، ص ۱۱۹.

۳. همان، ص ۱۲۰.

می‌باشد که فانی خمسه نوشت و شهرت خاصی یافت. خمسه وی مشتمل بر مثنوی ناز و نیاز، میخانه، مصدرالآثار، هفت اختر و ... است. ملا محسن فانی سه شاعر تربیت کرد که بعداً آنها شهرت جاویدان پیدا کردند. نام ایشان ملا محمد زمان قانع، حاجی محمد اسلم و ملا طاهر غنی کشمیری است. از جمله شاگردان محسن فانی ملا طاهر غنی مرتبه اعلیٰ یافت. معاصرین غنی کشمیری هم نتوانستند شهرتی پیدا کنند که نصیب غنی شد. دیوان غزل غنی شهرت یگانه یافت و نخستین غزل از دیوان وی که معركة الآراء شمار می‌آید چنین است:

جنونی کو که از قید خودی بیرون کشم پا را      کنم زنجیر پای خویشتن دامن صحرا را  
غنی روز سیاه پیر کنعان را تماشا کن      که روشن کرد نور دیده‌اش چشم زلیخا را  
اگر شهرت هوس‌داری، اسیر دام عزلت شو      که در پرواز دارد گوشه‌گیری نام عنقا را<sup>۱</sup>

درباره این شاعر نامدار مشهور است وقتی که در خانه کوچکش می‌بود در خانه را می‌بست و چون از خانه بیرون می‌آمد در را وا می‌گذاشت. چون علت این کار از وی پرسیدند، غنی پاسخ گفت که غیر از من در خانه متاعی ندارم. اقبال لاهوری این واقعه را در قالب شعر این طور می‌فرمودند:

به پاسخ چه خوش گفت مرد فقیر      فقیر و به اقلیم معنی امیر  
ز من آنچه دیدند یاران رواست      در خانه جز من متاعی کجا است  
غنی تا نشیند به کاشانه‌اش      متاعی گرانی است در خانه‌اش<sup>۲</sup>

غنی خارج از خطه کشمیر نیز به مسافرت پرداخت چنانچه از این شعر روشن می‌شود:  
کرد است هوای هند دل‌گیر مرا      ای بخت رسان به باغ کشمیر مرا<sup>۳</sup>

مختصر این که غنی زبان و ادبیات فارسی در کشمیر را رونق بخشید و شعر وی مملو از احساسات انسانی و معاشرتی و سیاسی است. در عهد شاهجهان در کشمیر زبان

کشمیر. میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۱۴۱، و دیوان غنی به کوشش احمد کرمانی، تهران، اردیبهشت ماه ۱۳۶۲، ص ۱.  
۲. همان، ص ۱۴۰.  
۳. همان، ص ۱۶۳-۱۶۴؛ واقعات کشمیر، خواجه عظم دیده‌میری، ترجمه و حواشی، پروفیسور شمس‌الدین احمد، تعارف، ص xxix.

و ادبیات فارسی به اوج رسید و نمی‌توانیم در این مقاله شعرا و ادبا و علمای این عصر را احاطه کنیم ولی بعضی از آنها را ضمناً متذکر می‌شویم:

عبدالرسول استغنا، اخواندملا محمد شاه بدخشانی معروف به ملا شاه، میر محمد ملقب به میر جیو، محمد صادق کشمیری که مولف کثیر تصنیفات است و یکی از مهم‌ترین آنها «طبقات شاهجهانی» است، محمد یوسف کشمیری، علامه عبدالحکیم سیالکوتی، نواب سعد الله خان علامی، چندربهان برهمن، سعدالدین، محمد اشرف یکتا، حضرت خواجه خواند محمود، نقشبندی، ملا عبدالرزاق، ک، ملا محمد محسن ملا باقر، کمال، ابراهیم، احمد و حیدر و غیره قابل ذکراند.

#### مقاله هشتم: عهد اورنگ‌زیب و ما بعد (۱۶۵۸ تا ۱۷۵۲ م)

سروری می‌نویسد در این عهد زبان و ادبیات فارسی که از دوره شاهجهان در حال پیشرفت بود. رونق بیشتری یافت، متعدد شعرا و ادبا و علما که در عهد شاهجهان پرورش یافتند در این عهد جلوه خاصی یافتند. فروغی یکی از آنها است که بارها خلعت از دربار عالمگیر یافت. بعضی دیگر از شعرای عهد وی عبدالغنی بیگ، لاله ملک شهید، عنایت خان آشنا و غیره هستند. از علما که مرتبه خاصی یافتند، شیخ داود المعروف بته مالو، بابا داود مشکوتی، و غیره. با مطالعه تاریخ عبدالقادر سروری معلوم می‌شود که در عهد اورنگ‌زیب علما، شعرا و ادبا زندگی می‌کردند ولی اینجا نام بعضی از آنها ذکر می‌شود:

مرزا عبدالغنی قبول، عبدالحکیم ساطع، اشرف‌الدین خان فرحت، عبدالرشید زرگر، مرزا اکمل‌الدین بدخشی و غیره. در انشاپردازی محمد رفیع منشی و میرزا کمال‌الدین اسوا که رتبه عالی داشت، محمد رفیع شاعر هم بود. از نظم وی چند شعر اینجا تحریر می‌شود ملاحظه بفرمایید:

از سوز خاطر تو وجودم به پیچ و تاب      آنجا فتاد آتش و اینجا شدم کباب  
سرچشمه زیر هر مژه من ذخیره بود      از یک نگاه خانه آتش شدی خراب<sup>۱</sup>

کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ ص ۲۰۱.

شیخ عبدالوهاب نوری یکی از بزرگ‌ترین علمای عهد عالمگیر به شمار می‌رفت. تصنیفات وی «فتحات کبرویه و عین‌العرفان» او را به درجه کمال رسانیدند. تاریخ‌نویسی در این عهد هم پیشرفت نمود. «تاریخ کشمیر، معروف به منتخب‌التواریخ» از پندت ناراین کول عاجز. این تاریخ خیلی شهرت یافت زیرا که این مبنی است بر تاریخ قدیم و واقعات این کتاب به قول مصنف کتابشیر مین فارسی ادب کی، یی ارتخ بدون دروغ گویی است. تاریخ دیگری در این عهد به وجود آمده است بنام «واقعات کشمیر» و «تاریخ عظمی» هم می‌گویند از خواجه محمد اعظم دیده‌میری که مشرف به علم فضل بود و شاعر هم بود. دیده‌میری در ادبیات فارسی آثار متعددی در نظم و نثر باقی گذاشت. ولی باعث شهرت دوام وی «تاریخ واقعات کشمیر» است.

#### مقاله نهم: عهد افغان (۱۷۵۲ تا ۱۸۱۹ م)

بعد از خاندان گورکانیان بر کشمیر افغان مسلط شدند و در این عهد زبان و ادبیات فارسی ضعیف گشت زیرا خانواده مغل که مرکز سرپرستی زبان فارسی بود به علت تسلط افغانیان از بین رفت. در این ضمن شاعر می‌گوید:

پرسیدم از خرابی گلشن ز باغبان افغان کشید و گفت که افغان خراب کرد<sup>۱</sup>

عبدالله خان ایشک اقصی که خاتمه حکومت مغل در کشمیر کرده و سرزمین کشمیر را مستعمره خود قرار داد، به سال ۱۷۵۲ م ناظم کشمیر شد. وی قریباً شش ماه حکومت نموده. در این مدت اهل کشمیر خیلی سفر نمودند. شاعر یگارام در همان زمان پدید آمد و اغلب اشعار وی در مدح ناظم ایشک اقصی است. چند شعر وی اینجا تحریر می‌شود ملاحظه فرمایید:

چنان ایشک اقصی ماند برپا سری بر شاخ عرش از قد بالا

شد از روشن وی سردار هشیار چو چشم جنت خود از خواب بیدار<sup>۲</sup>

در عهد افغان بعضی از حکمرانان زبان ادبیات فارسی را پرورش نمودند مانند

کشمیر مین فارسی ادب کی، یی ارتخ ص ۲۰۲.

۲. همان، ص ۲۱۳.

سیکه جیون مل که شاعر هم بود. او هفت شاعر را منتخب کرد و ایشان را مأمور به تألیف «شاهنامه کشمیر» (تاریخ کشمیر) کرد. شاعران که در دربار وی پرورش یافتند از آنها ملا توفیق، ملا رفیع، محمد علی خان، متین، محمد جان بیگ سامی، رحمت الله یاد می‌کند و عبدالوهاب شایق قابل متذکراند. شایق تاریخ کشمیر را منظوم ساخت که مشتمل بر دوازده صد صفحات است و آن را «ریاض الاسلام» نام نهاد. ملا اشرف وبری بلبل نیز از شاعران آن عهد است. علت شهرت اش خمسه وی شد. اصلاً بلبل به حکیم نظامی گنجوی اعتقاد خاصی داشت و به تقلید وی خمسه پنج گنج ساخت مشتمل به «هیمال»، «هشت اسرار»، «مهر و ماه»، «هشت بهشت» و «رضا نامه». رضانامه مشتمل بر ده هزار اشعار است. بلبل در تمهید رضانامه استاد نظامی را در قالب شعر این طور یاد می‌کند:

اگر چه نظامی بسی رنج برد ز گنجه معنوی گنج برد  
من از روح او یاری خواستم سخن را به معنی بیاراستم<sup>۱</sup>

شاعر دیگر که در عهد افغان ناموری حاصل کرد خوشدل است. او به یک وقت شاعر، انشاپرداز، مورخ و خوش‌نویس بود. او تاریخ کشمیر را به نظم سروده است و این منظوم تاریخ کشمیر مشتمل بر راجگان قدیم‌ترین تا به عهد مؤلف است. خوشدل دو پسر داشت یکی به نام دهرم راج و دوم پندت بیربل کاجرو. بیربل کاجرو در عهد مهاراجه رنجیت سینگ شهرت خاصی یافت. درباره وی بعداً ذکر می‌کنیم.

در این زمان علما و شعرا و ادبای ناموری ظهور کردند که نام بعضی از آنها چنین است: علامه تفضل حسین خان، تالیفات «شرح علی مخروطات ایلونیوس»، «شرح علی مخروطات دیوبال»، «شرح علی مخروطات سمنی و جبر و مقابله». علما دیگر مانند پندت بهوانی داس کاجرو که سر برآورده پندت شاعر و عالم بود. مولانا حسام‌الدین شاعر و عالم، شیخ محمد رفیقی مولف «تحفة الاحباب»، سید غلام‌الدین آزاد قادری، شیخ شرف‌الدین محمد زهگیر مولف «حجت اشرف» و «روضه السلام»، خواجه عبدالکریم که خارج از کشور شهرت یافت چنانچه حمله نادر شاه در همان زمان واقع شد و

کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ ص ۲۳۷.



عبدالکریم به ذهانت خود به بارگاه نادر شاه رسایی نمود و بعداً وزیر نادر شاه شد. عادات و رسومات آنها را مشاهده کرد و به در کتاباش «تاریخ نادری» رقم ساخت. این کتاب تاریخ خیلی جالب است چون در این معلومات حکومت نادر شاه است. در عهد افغان امیر حسن الله خان راضی، ملا نور محمد، شیخ محمد، ملا حسینی کشمیری که در سال ۱۲۱۸ م به علم ارضیات و جغرافیا کتابی نوشت به نام «عجایب البلدان» و عبدالغفور شوپیان و غیره از شخصیت‌های بزرگ هستند. با مطالعه عهد افغان در این کتاب معلوم می‌شود که این دوره بیشتر در کشمیر دوره انحطاط شمرده می‌شود. در این عهد روایت خانواده مغل که پرورش ادبیات فارسی بود کاهش یافته و زبان و ادبیات فارسی گاه گاهی به چشم می‌خورد. اما سرزمین کشمیر به کلی زبان و ادبیات فارسی را فراموش نمی‌کند و بعضی دانشمندان و دلبستگان فارسی ظهور کردند.

#### مقاله دهم: عهد سکهان (۱۸۱۹ تا ۱۸۴۶ م)

سروری درباره حکومت سکهان اطلاع می‌دهد که این عهد برای مردم کشمیر قهرمان رزم و بزم بود. اما پرورده علم و ادب هم بودند که ادبیات فارسی را رواج دادند همچنین که خانواده مغل دادند بدین مناسبت این عهد را «ثانی عهد مغل»<sup>۱</sup> می‌گویند. حمید الله شاه‌آبادی، ملا بهاولدین متو، مرزا مهدی مجرم، نیز پندت شعرا، بیربل کاجرو، پندت بهوانی داس کاجرو، نیکو پندت، پندت تابه رام ترکی، شنکر جیو آخون گرامی، ناراین داس خمیر و لچهمن رام سرور و غیره در عهد سکهان شهرت یافتند. معروف‌ترین داستان کشمیر «مال ناگرای» را در عهد سکهان مفتی صدرالدین وفایی به نظم فارسی منتقل نمود. نیز وفایی «تحفة العشاق» در نظم سروده، پندت شنکر جیون آخون مؤلف مثنوی «نیت شاه» به انداز مثنوی مولوی حکایت می‌کند، خواجه شاه نیاز نقشبندی، میر محی‌الدین اکمل، بهاولدین متو، از علما معروف همان زمان هستند.

کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ ص ۲۵۳

بهاوالدین متو خمسه عارفانه سرود که موجب شهرتش شد و آن خمسه مشتمل به «ریشی نامه سلطانیه، غوثیه، نقشبندیه و چشتیه» است.

نامورترین سخن سنج به عهد سکهان پندت بیریل کاجرو پسر دیا رام کاجرو خوشدل است. او غزلیات جاودانه می گفت و نیز یک تاریخ کشمیر به رشته تحریر آورد که به نام «مختصرالتواریخ یا مجمع التواریخ» مشهور است. بابا کمال الدین مؤلف «نورالدین نامه»، حمیدالله شاه آبادی که طبیعت شعر موزن داشت غزل به موضوع پند و نصحت «دستور العمل» به انداز گلستان سعدی سروده. نیز «بیوج نامه» و «خمسه مثنوی» و غیره رقم ساخته است. میرزا مهدی مجرم، از شاعران بزرگ عهد سکهان است و در زمین غنی شعر سروده، اشعار چند از وی ملاحظه بفرمایید:

شمعم که به هر محفل می سوزم و می نازم      نم از مژه غم در دل اندوزم و اندازم  
بیا که سوزم از غم نفس نفس به نفس      ز ناله بسته بنایم جرس جرس به جرس<sup>۱</sup>

شیخ احمد تاره بلی برادر شیخ محمد تاره بلی مؤلف «تحفة القرا»، خواجه امیرالدین پکهلی که مرید شیخ احمد تاره بلی بود، محمد صادق، آنند رام بیخود، میر سید حسین، قادری منطقی و غیره شعرای دیگر در همان عهد ترقی نمودند.

#### مقاله یازدهم: عهد دوگرا (۱۸۴۳ تا ۱۹۴۶ م)

بعد از حکومت سکهان در کشمیر عهد دوگرا آغاز شد. سروری درباره این عهد می نویسد که در این دوره در ابتدای عهد مهاراجه رنبیر سینگ در کشمیر چندین روایت علم و ادب ظهور کرد. مثلاً زبان انگلیسی به زودی جای فارسی را گرفت. مهاراجه رنبیر سینگ به زبان سانسکریت ذوق شگرف داشت و می خواست به این زبان خدمت خاصی انجام بدهد. چنانچه او در صوبه جمو در رگونات مندر برای تعلیم سانسکریت یک «پات شاله» قائم کرده بود. زبان اردو در همان زمان هم رایج بود و متعدد کتب فارسی به اردو ترجمه شده. بعض کتب به زبان دوگری، پنجابی هم ترجمه شدند. از جمله آنها کتب طب، فلسفه و تاریخ و غیره بودند. اما با وجود ورود زبان های اردو و

کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ ص ۲۶۵.

انگلیسی در میان مردم، زبان ادبی و دفتری فارسی بود و به همان عهد چندین مؤلفان در زبان فارسی مهارت یافتند و متعدد پندت شعرا و ادبای دوران حکومت دوگرا در شعر و ادب فارسی جای بلند گرفتند.

در عهد مهاراجه گلاب سینگ تهاکر رامداس رازدان غیرمسلم نامور فارسی شاعر که به علوم فارسی رغبت داشت و شاعر هم بود نامی تخلص یافت. دیگر نامور شعرا و ادبا پندت راج کاک در فرخ که پسر پندت بیربل در است، پندت ست رام بقایا و غیره. در عهد مهاراجه گلاب سینگ مرزا سیف‌الدین معروف‌ترین وقایع‌نگار است. میرزا سیف‌الدین در عهد دوگره‌ها «خلاصه‌التواریخ» رقم ساخت و این تاریخ معتبر کشمیر دوره گلاب سینگ است. مؤلف درباره تاریخ‌های فارسی مانند تاریخ حیدر ملک، واقعات کشمیر از دیده‌مری، تاریخ ناراین کول عاجز، تاریخ میر سعدالله شاه‌آبادی و پندت بیربل کاجرو این طور می‌نویسد:

”اینها زیاده بر احوالات راجه‌ها و احوال ظهور اسلام و سلاطین اسلام منتظم به آن نموده‌اند، پیشرو گرفته اگرچه در بعضی تواریخ میان منصفان در خصوص نام و زمان بعض حکام اختلافی نمایان است، اما حتی الامکان تحقیق نموده آنچه صحیح دانست است به قید قلم آورده مسمی به خلاصه‌التواریخ کشمیر نمود“<sup>۱</sup>.

بعد از میرزا سیف‌الدین برادر او میرزا غلام محی‌الدین وقایع‌نگار و خبرنگار کشمیر مقرر شد. بعد از آن میرزا قمرالدین در این خدمت مامور شد و تا به سال ۱۸۵۸ م اخبارات و مراسلات مرتب ساخت. بعد از گلاب سینگ مهاراجه رنبیر سینگ حکومت یافت و خود صاحب علم و ادب‌پرور بود. وی مثل جلال‌الدین اکبر ذوق جمع‌آوری علما و شعرای مذاهب مختلف داشت. از دربار وی دیوان کرپارام، پندت گنیش کول شاستری، دکتر بخشی رام، دکتر سورج بل، مولوی عبدالله مجتهدالعصر، حکیم ولی الله شاه لاهوری، پندت صاحب رام، حکیم نورالدین قادیانی و بابا نصرالله عیسایی مرتبه خاصی یافتند. دیوان کرپارام در عهد مهاراجه گلاب سینگ شهرت

۱. کشمیر میں فارسی ادب، کی آرٹس، ص ۳۱۶.

خاصی پیدا کرد. وی در ادبیات فارسی این تصانیف را به قلم خود نوشته است: «گلزار کشمیر»، که تاریخ فارسی کشمیر است، «گلاب‌نامه» و غیره ولی «گلزار کشمیر» از جمله تصانیف کرپارام در ادبیات زبان فارسی اهمیت خاصی دارد و مصنف در این تاریخ از ابتدا تا عهد مهاراجه رنبیر سینگ حالات و واقعات را به رشته تحریر درآورد.

در عهد دوگرا زبان اردو جای فارسی را به عنوان زبان رسمی در کشمیر گرفت. اما به وجود این که اردو زبان دفتری بود اما فارسی به کلی خارج نشد. متعدد شعرا، علما و ادبا در این عهد زبان ادبیات فارسی را گسترش داده‌اند. بعضی از آنها به قرار ذیل هستند:

پندت رامودر ترسیل، پندت لچهن بت، ملا رضا، ملا نورالدین، خواجه عبدالرحمن مولف تحفه نقشبندیه، میر محی‌الدین بسمل، پندت طوطا رام بت، ملا احمد سهروردی، تاریخ جید احمدی مثنوی اوست، پندت تیکارام که آغاز تاریخ کشمیر کرد ولی به اتمام نرسید، پندت مهتاب جیو ترسل متخلص به روشن، شیخ احمد ترالی، پندت شیوجی در که پسر پندت مهانند مؤلف «تاریخ کشتواد» بود، منشی محمدالدین فوق مولف «تاریخ اقوام کشمیر» پندت تیکارام آخون، پندت کیلاس کول میگزین صبا، احمد سعید تاره بلی، میرزا غلام احمد قادیانی، پندت واسه کول اوگره متخلص به بلبل، مؤلف «چهار درویش»، «گلزار بلبل»، «گلشن عندلیب» و غیره، حافظ غلام رسول شیوا که پدر مشهور و معروف مورخ کشمیر پیر غلام حسن کویهامی بود. شهرت حسن کویهامی به «تاریخ حسن» شد. این تاریخ مشتمل به سه جلد است.

شعرا، علما و ادبای دیگری که در عهد دوگران بودند مانند پندت بله کاک دار مسرور از خانواده سربرآورده علما پندت شمار می‌رود، بخشی دیارام کاجرو، پندت راجا رام کول، عرض بیگ ویری، پندت بشن چندر روشن کول متخلص به قمر، پندت بیربل کول متخلص به سخنور، پندت دیارام رینه متخلص به شاد، میر جلال‌الدین، خواجه امیرالدین امیر، ملا جیب‌الله جیب، پندت دوده لعل طالع، پندت هری کول هرین، پندت گنگا پشن منصور و غیره و غیره. در این عهد نیز «تاریخ کبیر» از حاجی محمد محی‌الدین مسکین و وجیزالتواریخ از عبدالنبی خانپاری به رشته تحریر درآمد.

## مقاله دوازدهم: عهد حاضر

عهد حاضر یا قرن بیستم میلادی عصری است که در کشمیر روایت قدیم فارسی از بین رفت و رواج و تاثیر و نفوذ فارسی کاهش یافت. زبان اردو و انگلیسی جای زبان فارسی را گرفت. اغلب شاعران و سخن‌وران کشمیر به زبان اردو شعر می‌گفتند. ولی تاریخ فارسی کشمیر گواه است که منطقه کشمیر مادری هست، گهواره هست و منبع هست که از بطنش فرزندان والا مثل شیخ یعقوب صرفی، خواجه حبیب الله نوشهری، ملا طاهر غنی، محسن فانی، ملک حیدر چودوره، حسن کویه‌امی، شیخ عبدالوهاب نوری، بیریل کاجرو، پندت دیارام کاجرو، محمد شاه نقشبندی، حیرت کاملی، محمد امین دراب، آغا سید محمد باقر موسوی، شمس‌الدین احمد و غیره پیدا شدند.

عندلیبان شیدای گلستان فارسی گاه گاهی قلم خود را سوی زبان فارسی حرکت می‌دهند و به زبان و ادبیات فارسی خدمت خاصی انجام دادند.

پیر شمس‌الدین حیرت کاملی از شعرای جدید است. وی به زبان و ادبیات فارسی خدمت شایانی انجام داد. این شاعر نامدار از خانواده علم و ادب‌پرور بود. آثار وی مثنوی «فسانه حیرت» مشتمل به شش جلد است و نیز دو مثنوی هم نوشت. یکی از آنها «نیرنگ حیرت» و دوم «قانون صحت» است.

حیرت به زبان اردو و کشمیری هم شعر می‌سروده است. چنانچه مثنوی معنوی مولوی را منظوم ترجمه به زبان کشمیری نمود. در فارسی نیز «شاهنامه بدشاهی» است که مشتمل به حالات سلطان زین‌العابدین است. مزاج وی روان است و در غزل رجحانات عصر جدید را به خوبی بکار برده است.

در قرن بیستم میلادی شعرای دیگری که اهمیت فراوان دارند و خدمت بزرگ انجام داده‌اند یکی از آنها خواجه محمد امین داراب است. با مطالعه این کتاب معلوم می‌شود سلسله نسب این شاعر نامدار به نخستین حکمران مسلمان کشمیر رینچن شاه منسلک است. آثار فارسی داراب «مثنوی ید بیضا، هفت بند عزیز، تهنیت نامه» و غیره. گرچه خانواده داراب مشهور به تجارت شالبافی است. ولی خود این شاعر همه عمر را با ادبیات گزارده است. بعضی از افراد خاندان وی ذوق علم و ادب‌پروری داشته‌اند. خواجه عزیزالدین، خواجه نورالدین، خواجه سلام‌الدین و خواجه سیف‌الدین در علم و

ادب از خاندان وی شهرت یافتند. در اشعار وی احساسات نورانی موجزن است، می‌گوید:  
 از شور جنون ما محشر چه برانگیزی ای خلوتی دل‌ها، از جلوه بیهیزی  
 ساز غزلم دارد راز جگرم در دل سوز نفسم باشد محو اثر انگیزی<sup>۱</sup>  
 نیز احساسات متصفانه در قالب شعر این طور بیان می‌کند:

سیر سلوک من ببین، عشق و جنون من نگر  
 پویه من به راه حق، روی دلم به سوی تو  
 روز و شبم چسان گزشت، هست حساب مختصر

شب به طواف کوی تو، روز به گفتگوی تو<sup>۲</sup>

شکی نیست که تعداد زیادی از شعرای فارسی در کشمیر عهد حاضر به اردو و کشمیری هم شعر سرودند. ولی شعرا که در ادبیات فارسی ناموری یافتند بعضی از آنها ذکر می‌کنیم. پیر عبدالقادر آثم، پروفیسور ندلال کول طالب، میر غلام رسول نازکی مؤلف «مثنوی آینه فطرت»، میرزا کمال‌الدین شیدا مؤلف «مثنوی حسن گوهر»، محمد طیب شاه صدیقی ضیغم، شمس‌الدین اندرابی غمگین از نظم وی مقطع ملاحظه بفرمایید:  
 غمگین را شو غمزده از قریب خود پیش خلا بادا نخواهد شد جدا دست من دامن تو  
 دیگری سرخوش کشمیری، پندت دوره لعل در طالع وغیره هستند. به آخر این کتاب مهم سروری ذکر استادان دانشکده‌ها و پژوهش‌گران زبان فارسی آن زمان در کشمیر گفتگو نموده است.

فارسی‌سرایان در کشمیر از عهد شهمیر تا عهد دوگران بدون هیچ شکی بسیاراند. ولی فارسی‌سرایان که در قرن بیستم میلادی در کشمیر هستند تعداد ایشان کمتر است. روایت قدیم که قبل از قرن بیستم میلادی بود کاهش یافت، همچنین تاریخ‌نویسی بیشتر در عهد حاضر به انگلیسی و به اردو و زبان‌های محلی دیگر انجام می‌گرفت و متذکره کتاب هم به زبان اردو است ولی اصلاً این کتاب تاریخ مشتمل به تاریخ ادبیات فارسی است. ارزش و اهمیت این کتاب از لحاظ فرهنگی و اجتماعی بسیار است.

کشمیر میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۳۲۱.

۲. همان، ص ۳۳۴.

با مطالعه این تاریخ مهم معلوم می‌شود که مصنف از کتاب‌های قدیم خیلی استفاده نموده است مثلاً راج ترنگی، تاریخ حسن، تاریخ اقوام کشمیر، تاریخ ملک حیدر چادوره، تاریخ سید علی ماگری و جز آن.

سخن دوم درباره کتاب این است که در قرن بیستم میلادی هیچ کتاب تاریخ در نظر بنده ناچیز این قدر درباره ادبیات فارسی در کشمیر سخنی نگفته است. سخن سوم پروفیسور عبدالقادر سروری در این تاریخ آن قدر تحقیق دقیق نموده است که مورخین بعدی این کتاب را معتبر دانستند. نیز دانشجویان و پژوهش‌گران از این تاریخ استفاده خاصی گرفتند. اطلاعاتی که درباره نویسندگان، شعرا و ادبای قرن بیستم میلادی داده خیلی اهمیت دارند زیرا آن اطلاعات در تاریخ‌های جدید فارسی به نظر نمی‌آیند. مورخین بعدی و محققین که از این کتاب استفاده کرده‌اند خیلی زیاد هستند ما اینجا چند نفر را بازگو می‌کنیم:

دکتر ریاض و دکتر صدیق شبلی، دکتر محمد منور مسعودی (سابق صدر شعبه فارسی کشمیر)، نیز ادبی مقاله‌نگار، دکتر نیلوفر ناز نحوی، دکتر جهانگیر اقبال، دکتر فخر عالم و جز آن.

چون قبلاً اشاره رفت که این کتاب به زبان اردو نوشته شده است ولی اطلاعاتی که درباره زبان و ادبیات فارسی جمع آوردند ارزش و اهمیت ادبی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بی‌شمار دارد. باید خانه فرهنگ دهلی‌نو توجه خاص به این کتاب بکند و آن را به زبان فارسی ترجمه بکند تا پژوهشگران و همچنین کسانی که به فارسی علاقه دارند از این کتاب استفاده بنمایند بالخصوص ما کشمیری‌ها باید این زبان شیرین را به دست کس بسپاریم تا این گنج عظیم از بین نرود.

### منابع

۱. هندوشاه ملا محمد قاسم، گلشن ابراهیمی موسوم به تاریخ فرشته، اردو جلد دوم، ناشر منشی نول‌کشور، لکهنو، ۱۹۳۳ م.
۲. دیوان حافظ، همراه با فال بر اساس نسخه محمد قزوینی و قاسم غنی، چاپ طلایه ۸۰ تهران میدان انقلاب، ۱۳۹۲.

۳. سروری پروفیسور عبدالقادر، کشمیر میں اردو، جلد اول، ترتیب محمد یوسف تینگ، جمو ایند کشمیر اکیڈمی آف آرٹ، کلچر ایند لینگویجز، سرینگر، ۱۹۸۱ م.
۴. سروری پروفیسور عبدالقادر، میں فارسی ادب، کی، ی، آرٹ، نشر مجلس تحقیقات اردو کشمیر، سرینگر، ۱۹۶۸ م.
۵. دیوان غنی بہ کوشش احمد کرمی، تهران اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ هـ.
۶. کھویہامی، پیر غلام حسن، تاریخ حسن، جلد اول، مطبع جمو ایند کشمیر گورنمنٹ، ریسرچ ایند پبلیکیشن دیپارٹمنٹ، سرینگر، ۱۸۸۵ م.
۷. دیدہ مری، خواجه محمد اعظم، واقعات کشمیر، ترجمہ و حواشی پروفیسور شمس الدین احمد، مطبع جمو ایند کشمیر اکیڈمی آف آرٹ، کلچر ایند لنگویجز، سرینگر، طبع اول ۲۰۰۱ م.
۸. رسالہ دانش، شماره ۱۱-۱۲، مجلہ تحقیقی شعبہ فارسی، دانشگاه کشمیر، سرینگر، سال ۱۹۹۴ م.
۹. رسالہ دانش، مجلہ تحقیقی شعبہ فارسی، دانشگاه کشمیر، سرینگر، سال ۲۰۰۱-۰۲ م.
۱۰. بہارستان شاہی، مصنف نامعلوم، ترتیب و مقدمات دکتر اکبر حیدری کشمیری، انجمن شرعی شیعیان جمو و کشمیر، سرینگر، ۱۹۸۲ م.